

راه شیلیایی به سوی سوسیالیسم: اتحاد ملی چگونه سیا آینده را هدف گرفت

نقل از نیویورک تایمز

وقتی در سال ۱۹۷۳ ژنرال پینوشه در کودتایی با حمایت و همکاری ی آمریکا سالوادور آلنده را سرنگون ساخت، هر چند آمریکا بلافاصله از حکومت کودتا حمایت کرد، و همه گان می توانستند نقش آمریکا در کودتا را حدس بزنند، ولی این امر، به طور رسمی، تا سالیان سال مخفی نگاه داشته شد؛ هم چنان که نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد نیز تا چند سال پیش که مادین آلبرایت، به عنوان وزیر خارجه ی آمریکا، بدان اشاره کرد و سپس اسناد مربوط به آن در نیویورک تایمز منتشر شدند مخفی نگاه داشته شده بود، و اگر کسی سخنی درباره ی نقش آمریکا در این کودتاها می گفت می توانستند به اعتقاد به تئوری توطئه متهمش کنند. چند سال پیش اسنادی منتشر شد که نقش آمریکا در کودتای شیلی را نشان می داد. این مقاله مروری موجز است بر این اسناد .

از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ ایالات متحده در پی سرنگونی حکومت شیلی و رئیس جمهور انتخابی اش، دکتر سالوادور آلنده بود، که مارکسیستی انگاشته می شد که منافع آمریکا را تهدید می کند. با دستور رئیس جمهور وقت، ریچارد نیکسون، سیا برنامه ی مخفی سریعی را طراحی کرد که از به قدرت رسیدن آلنده جلوگیری کند، و

وقتی این برنامه شکست خورد، عهده‌دار تلاش‌های زیرکانه‌ی بی برای خالی کردن زیر پای او شد. چنان‌چه توماس کارامسینس، گرداننده‌ی سیا در آن زمان، بعدها به محققان سنا گفت، آن تلاش‌ها «هیچ‌گاه حقیقتاً به پایان نرسیدند».

هفته‌ی قبل در ۲۵ سال پیش، در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳، ارتش قدرت را به دست گرفت، و دسته‌ی کودتاجی، تحت امر ژنرال آگوستو پینوشه، تا سال ۱۹۹۰ حکمرانی کرد. جوخه‌های مرگش بیش از ۳،۰۰۰ نفر را به قتل رساندند، و هزاران نفر دیگر را زندانی و شکنجه کردند. شیلی هنوز می‌کوشد که با آسیب‌ورده به مؤسسات دموکراتیکش کنار آید.

اسناد از طبقه بندی خارج شده‌ی حکومتی که در ادامه می‌آیند به دست بایگانی‌ی امنیت ملی جمع آورده شده است که گروه تحقیقاتی غیرانتفاعی بی در واشنگتن است که از ۱۹۸۵ در پی کشف مدارک مخفی بوده است. این اسناد از روز جمعه در سایت «www.seas.gwu.edu/nsarchive» منتشر شده اند.

این‌ها فراوانی‌ی تلاش‌های ایالات متحده برای عقیم‌گذاشتن تلاش‌های آئنده، حتی از پیش از گرفتن قدرت را نشان داده و حقیقتی را به نمایش می‌گذارند که در طول جنگ سرد به درستی فهمیده نشده بود. دفعات بسیار معدودی شده که سیا سرکشی کرده باشد. وقتی برنامه‌ی کودتا می‌چیده و به کلنل‌های آدم‌کش اسلحه می‌فروخته، قطعاً این‌ها را با دستور رئیس جمهور انجام می‌داده.

سفیر ایالات متحده، ادوارد کوری، در یک تلگراف با عنوان «هیچ امید برای شیلی» در هشتم سپتامبر ۱۹۷۰ این‌گونه به واشنگتن ره نمود می‌دهد:

ادب و نجابت شاخصه‌ی غالب زنده‌گی‌ی شیلیایی است... و این نجابت چیزی است که پیروزی‌ی آئنده‌ی بسیار وحشی را تقریباً قطعی می‌سازد. نه رئیس جمهور و نه نیروهای مسلح جسارت خوشنونی را ندارند که می‌ترسند در اثر مداخله پدید آید.

سفیر در ۱۱ سپتامبر در تلگراف دیگری با عنوان «کمونیست‌ها شیلی را می‌گیرند» ادامه می‌دهد:

از شیلی بوی قبرستان بلند می‌شود، بوی دموکراسی ی در حال فروپاشی. آن‌ها در چکسلواکی ی سال ۱۹۴۸ بسیار تهاجمی بودند و امروز هم به هیچ وجه آرام تر نشده اند.

در ۱۵ سپتامبر، ریچارد هلمز، گرداننده ی سیا، در دیداری با رئیس جمهور ریچارد نیکسون، دادستان جان میچل و مشاور آن هنگام امنیت ملی و وزیر خارجه ی بعدی، هنری کیسینجر، در کاخ سفید برگزار شد یادداشت بر می‌داشته:

شاید شانس ۱ به ۱۰ باشد، ولی شیلی را نجات دهید! ... گشاده دستانه هزینه کنید... بدون نگرانی... بدون درگیر کردن سفارت... ۱۰ میلیون دلار موجود است، اگر لازم بود بیش تر... کار تمام وقت، بهترین افرادی که داریم... نقشه ی بازی... اقتصاد را به عزا بنشانید... ۴۸ ساعت برای طرح عملیات

در ۱۶ سپتامبر، ویلیم پرو، مدیر بخش نیم کره ی غربی ی سیا، با هلمز و دیگر فرماندهان عالی رتبه ی سیا دیدار کرد.

مدیر (سیا) به گروه گفت که بنای رئیس جمهور نیکسون بر این است که حکومت آینده در شیلی برای ایالات متحده قابل پذیرش نیست. رئیس جمهور از اداره ی اطلاعات خواسته بود که به قدرت رسیدن آینده جلوگیری کرده یا او را سرنگون سازند. رئیس جمهور ۱۰ میلیون دلار برای این کار اختصاص داده بود. علاوه بر این، سیا می باید این مأموریت را بدون هم آهنگی با وزارت دفاع یا خارجه به انجام می رساند... مدیر گفت که او از دکتر هنری کیسینجر خواسته است... که او را روز پنج شنبه، ۱۸ سپتامبر، ببیند تا نظرات سازمان درباره ی چگونگی ی به انجام رساندن مأموریت را به اطلاع او برساند.

در ۱۶ اکتبر، تلگرافی از مرکز فرمان دهی ی سیا به هنری کیسینجر ارسال شد، مدیر مقر سیا در سانتیاگو، شیلی، درباره ی طرح عملیات ابهام‌هایی داشت. پاسخ چنین است:

این سیاست قطعی و دنباله دار است که آینده باید با یک کودتا سرنگون شود. ولی بهتر است که ترتیبی دهیم چنین مطلبی پیش از ۲۴ اکتبر فاش شود، ولی تلاش‌هایمان در این رابطه به شدت پس از آن ادامه یابد. ما باید با به کار گرفتن همه ی منابع به وارد کردن بیشترین فشار در این راه ادامه دهیم. ضروری است که این عملیات مخفیانه و با خاطر جمعی به اجرا در آید تا دست حکومت ایالات متحده و آمریکا کاملاً پنهان بماند... لطفاً همه ی فعالیت‌های کنونی و احتمالی ی خود را مرور کنید تا تبلیغات، سیاه کاری، افشای اطلاعات ساختگی انحرافی، تماس با اشخاص یا هر کار دیگری که به نظر شما می‌تواند ما را به سوی هدف [چندکلمه پاک شده] سوق دهد را شامل شوند.

نقشه‌ها از همین زمان در حال اجرا بودند. پنج روز زودتر، ۱۱ اکتبر، برو این تلگراف را از مرکز فرمان دهی ی سیا به مقر سانتیاگو فرستاد:

مسلسل‌ها و مهمات به طور منظم فرستاده می‌شوند (چند کلمه پاک شده). پیک واشنگتن را در ساعت ۰۷ روز ۱۹ اکتبر ترک می‌کند که تا شب‌هنگام ۲۰ اکتبر یا صبح ۲۱ اکتبر به سانتیاگو برسد.

ایالات متحده به ارتش شیلی برای وارد عمل شدن فشار نمی‌آورد، ولی، چنان چه در گزارش داخلی ی سیا، «فعالیت‌های ارتش در قضیه ی شیلی» در تاریخ ۱۸ نوامبر آمده، این به خاطر عدم علاقه نبود.

در ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۰، سیا دستور یافت که تلاش کند از رسیدن سالوادور آلنده‌ی مارکسیست به ریاست جمهوری ی شیلی پیش‌گیری کند...
کودتای نظامی به‌طور افزاینده به عنوان تنها راه حل ممکن مسئله ی آلنده پیشنهاد شد. جریان‌های ضدآلنده در ارتش و پلیس مرزی وجود داشت، ولی درآثر سنت احترام ارتش به قانون اساسی از تحرک باز مانده بودند...

[تلاش‌های تبلیغاتی ی سیا شامل چنین مواردی بود: [اطلاعات خاص و دستورات داخلی به روزنامه‌نگاران آمریکایی داده می‌شد... در این رابطه خصوصاً صفحه ی نخست تایمز قابل توجه بود که به شدت مدیون نوشته‌ها و گزارش‌هایی است که سیا در اختیارش قرار می‌داد... گزارش‌های سیا در واشنگتن [چند کلمه پاک شده] در مراحل آخر، مطابق ادعای خبرنگار دیگر تایم فشار اساسی را تغییر داد.

این‌ها آلنده را ناچار ساخت در ۱۳ اکتبر چنین شرح دهد:

«ما شدیدترین و بی‌رحمانه‌ترین فشارها را تحمل می‌کنیم، چه داخلی و چه بین‌المللی»، و به‌طور خاص تایم را نشان‌کند که «صراحتاً خواستار «تهاجم به شیلی شده بود.

گزارش دیگر، «کالبدشکافی ی انتخابات ریاست جمهوری ی شیلی»، که هلمز به ژنرال هیگ، دستیار نظامی ی کیسینجر فرستاده، چنین تأکید می‌کند.

در ۳ نوامبر ۱۹۷۰، با وجود همه ی مخالفت‌های حکومت ایالات متحده، دکتر سالوادور آلنده نخستین رئیس دولت مارکسیست آمریکای لاتین شد که به‌طور دموکراتیک برگزیده شده باشد. در نتیجه، پرستیژ و منافع ایالات متحده در آمریکای لاتین، و تاحدی، همه‌جا، به‌طور اساسی و واقعی صدمه می‌بیند، و این در حالی است که ایالات متحده می‌تواند با روش‌های غیردوستانه در ناحیه یی که در عرف به عنوان «حیاط خلوت»ش پذیرفته شده از پس مشکلات بر آید.

از نوامبر ۱۹۷۰ تا سپتامبر ۱۹۷۳، که ارتش قدرت را گرفت، سیا ۸ میلیون دلار برای خالی کردن زیر پای رییس جمهور آئنده هزینه کرده بود. وقتی کودتا به واقعیت نزدیک می شد، ایالات متحده از نقشه ها با خبر بود و کودتاچیان را تشویق می کرد، اما هیچ نقش مستقیمی بازی نکرد. سه هفته بعد، یکی از مأموران اطلاعات ارتش ایالات متحده آن روز را چنین توصیف کرد:

روز شروع: ۱۱ سپتامبر

ساعت شروع: ۶

کودتای شیلی تقریباً بی عیب بود. متأسفانه، «تقریباً» فقط درباره ی نعل اسب و نارنجک دستی است... طرح اولیه در نظر داشت رییس جمهور آئنده تا زمان به پایان رسیدن کودتا بی خبر و بدون ارتباط با بیرون در خانه اش نگهداری شود. تأخیر در ساعت شروع در سانتیاگو باعث شد آئنده در ساعت ۷:۳۰ باخبر شود. آئنده فوراً خود را به کاخ رساند... [جایی که] به وسایل ارتباط رادیویی دسترسی داشت که به او امکان می داد شخصاً از «کارگران و دانش جویان» بخواهد «به موند» [ساختمان کاخ ریاست جمهوری] بیایند و از حکومتشان بر علیه نیروی مسلح دفاع کنند». ساعت ۸:۳۰ شده بود.

... ارتش همه ی جاده ها به سانتیاگو را مسدود ساخته بود. راه های داخل شهر بسته شده بودند. هر کسی که بدون پوشیدن پیراهنی با رنگ تعیین شده در خیابان ظاهر می شد در خطر جدی هدف قرار گرفتن بود. آئنده شخصاً ترتیب فرستادن دو پیام «خطر» را داد. نخستین، در ۸:۳۰، با صدایی نیرومند و مطمئن ادا می شد که کارگران و دانشجویان را فرا می خواند. دومین، در ۹:۴۵، صدایی کج خلق تر داشت، انگار که خود را برای مدح حکومت در حال مرگش آماده کند. این آخرین سخن

پراکنی ی او بود، چه نیروی هوایی به زودی آنتن مورد استفاده اش را کشف کرده و زیر آتش گرفتند. ساعت ۱۰:۱۵ بود...

آلنده تنها و مرده در دفترش در نزدیکی ی حیاط یافته شد. با گذاشتن مسلسلی زیر چانه و فشردن ماشه خودکشی کرده بود. آشفته و کثیف، ولی مؤثر. تفنگ در نزدیکی ی بدنش افتاده بود. روی صفحه ی فلزی یی روی مسلسل چنین حک شده بود: «به دوست خوبم، سالوادور آلنده، از فیدل کاسترو». قطعاً کوبای کمونیست چندین از این تفنگها به شیلی فرستاده بود. ساعت ۱۳:۴۵ بود...

پی نوشت: پس از ۱۷ سال دیکتاتوری بر شیلی، ژنرال پینوشه در سال ۱۹۹۰ قدرت را به حکومتی غیرنظامی وا گذاشت. اما خود فرماندهی کل نیروی مسلح باقی ماند، و تنها در ماه مارس گذشته از این سمت چشم پوشید. در تشریفات تودیع، ژنرال پیر نیروهای مسلح را با عبارت «نجات‌دهنده ی دموکراسی در شیلی» ستود.

منبع: نیویورک تایمز

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری